

■ ایستاد: رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی با بیان این که «ذخیره یکساله کالاهای اساسی در انبارها موجود است» گفت: در حال حاضر افزایش ۳۰ تا ۵۰ درصدی قیمت کالاهای اساسی را شاهدیم در حالی که یارانه ۴۲۰۰ تومانی برای آنها اختصاص می‌یابد. محمدرضا پورابراهیمی گفت: در حوزه تخصیص ارز، ۸ میلیارد دلار در شش ماهه اول سال برای کالاهای اساسی اختصاص یافته که از متوسط سال گذشته بیشتر است و اطمینان خاطر را برای تامین کالاهای اساسی فراهم می‌کند. وی افزود: با توجه به این که ارز کالاهای اساسی مبلغ ۴۲۰۰ تومان پیش‌بینی شده، افزایش قیمت این کالاها دلیلی ندارد.

ذخیره یکساله کالاهای اساسی

یادداشت

ورزشی ترین چهره سیرجان

امین شول زیدآبادی



این روزها چهره شهر از هر زمانی ورزشی تر است. از فوتبال گل گهر که در لیگ دسته اول یکه تازی می‌کند و همه علاقه‌مندان را به موفقیت و صعود به لیگ برتر امیدوار کرده است تا والیبال فولاد سیرجان ایرانیان که از چهارشنبه کار خود را در لیگ برتر والیبالی استارت می‌زند. به اینها اضافه کنید حضور تیم‌های امید، جوانان و نوجوانان گل گهر در لیگ‌های برتر کشور، آرمان گهر در لیگ دسته دوم و صدرنشینی اش که امکان صعود به لیگ دسته اول را دارد، حضور فوتبال بانوان شهرداری سیرجان در لیگ برتر بانوان و برگزاری مسابقات مهم و مختلف کشوری در سیرجان، هر یک از این اتفاقات می‌تواند سوزه خوب و مهمی در عرصه ورزش یک شهرستان باشد اما همه این اتفاقات در شهر سیرجان در سکوت نسبی خبری در حال روی دادن است. واقعیت این است که علی‌رغم شرایط و پتانسیل خوبی که ورزش در سیرجان دارد اما مسئولان کمتر از این تیم‌ها حمایت می‌کنند و حضور مسئولان رده بالای شهرستان در محل برگزاری مسابقات به ندرت اتفاق افتاده است. حضور و حمایت مناسب مسئولان است که مردم و هواداران را به حمایت از تیم‌های شان دلگرم تر می‌کند.

کلیپ

هفته هشتم لیگ دسته اول، گل گهر سیرجان – مس رفسنجان

دوئل کروات‌ها در زمین معدنکاران

پاسارگاد

عصر امروز و از ساعت ۱۴:۴۵ ورزشگاه امام علی (ع) سیرجان گل گهر سیرجان میزبان و مس رفسنجان است.

هفته هشتم لیگ دسته اول در حالی امروز برگزار می‌شود که گل گهر سیرجان با هدایت وینگو بگوویچ با یک بازی کمتر و ۱۳ امتیاز صدرنشین لیگ است

نجمه محمودآبادی

دو ستاره‌ی چشمان فاطمه خاموشند و او از نعمت دیدن زیبایی‌های این دنیا بی‌بهره است. فاطمه اما باهوش و باستعداد است. اگر چه چشمانش نابیناست اما این نابینایی سدی نشده بر موفقیت‌های او. فاطمه دانشجوی کارشناسی ارشد رشته عمران دانشگاه باهنر کرمان است و موفق، باانگیزه و پرتلاش است.

فاطمه بیابلی متولد مردادسال ۷۱ است. پدرش معلم بازنشسته‌ی آموزش و پرورش است و مادرش خانه‌دار. او دو برادر و یک خواهر دارد و خودش آخرین فرزند خانواده است. مادر فاطمه زمانی که او را سه ماهه باردار بود، در یک تصادف ضربتی به شکمش وارد می‌شود و سبب پارگی شبکه چشم فاطمه می‌شود و او بینایی اش را از دست می‌دهد. پدر و مادر فاطمه که ساکن پاریز بودند و او را برای تحصیل به سیرجان می‌آوردند. فاطمه ۶ ساله فقط یک ماه به کلاس آمادگی می‌رود. بعد معلم

به پدرش می‌گوید دخترتان امتحانش را پاس نده است و نیاز به آمادگی ندارد. می‌تواند به کلاس اول برود. این می‌شود که فاطمه ۵ ساله در مدرسه نابینایان سیرجان دوران دبستان را می‌گذراند. «در امتحان مدرسه نمونه دولتی نفر دوم در سطح شهرستان شدم. معلمی داشتم که نام خانم ایرازاد که معلم ریاضی بود. تاثیر به‌سزایی داشت در علاقه‌مندی من به رشته ریاضی. من از همون زمان تصمیم گرفتم برشته ریاضی».

فاطمه در دوره راهنمایی در دروس ریاضی و علوم مقابله‌ای در سطح شهر کسب می‌کند و در آزمون مدرسه نمونه دولتی دبیرستان شرکت می‌کند و قبول می‌شود. در مدرسه همی معلم‌ها با تصمیم فاطمه مخالفند اما فاطمه اصلا به این مخالفت‌ها توجه نمی‌کند. «به معلم فیزیک داشتم سرکار خاتم رجایی. خاتم رجایی خیلی از من حمایت کرد. یک جوایبی جلوی همه همکارانش ایستاد و از تصمیم من حمایت کرد تا من برم رشته ریاضی» وقتی فاطمه رشته ریاضی را شروع می‌کند درس‌هایی که او را آژشان می‌ترسانند مثل حسابان و هندسه را تا نمره ۲۰ پاس می‌کند و دیفرانسیل را با نمره ۱۸ می‌تواند با موفقیت بدیلم بگیرد. بعد از یک سال استراحت امتحان کنکور می‌دهد و رتبه کنکور فاطمه ۳۰۰۰ می‌شود. در سیرجان در مراسمی که از تیم‌های برتر قهرمانی می‌شود از فاطمه هم دعوت می‌کنند تا در مراسم حضور پیدا کند. در مراسم از فاطمه می‌پرسند که به چه امکاناتی احتیاج دارد؟ هن به کسی احتیاج داشتم که هم رشته خودم باشد و دروس دانشگاه را برایم ضبط کند. رشته عمران کار آزمایشگاهی زیاد دارد

@PasargadNews

@PasargadNews

تلفن: ۰۹۹۰۰۴۸۰۶

یکی را می‌خواستم که توی آزمایشگاه‌ها همراهم بیاید و آزمایش‌ها را به‌طور عملی و ملموس به من نشان بدهد» فاطمه درخواست‌هایش را می‌گوید و شهباز حسن‌پور نماینده مجلس هم که در آن جلسه حضور داشت، قول مساعد می‌دهد که به درخواست‌های فاطمه ترتیب اثر دهد. بعد از چند روز به فاطمه می‌گویند که در فرم‌اندازی سیرجان جلسه‌ای تشکیل شده است و محمدباقر رهنما رئیس سابق دانشگاه صنعتی سیرجان اینجا قول داده که همه جوره او را حمایت کند. فاطمه قبل از اینکه رشته‌ی عمران را انتخاب کند هدفش این بود که مکانیک بخواند. «کارگاه جوشکاری ترسیدم برای همین تصمیم گرفتم رشته عمران بخونم». وقتی فاطمه به دانشگاه صنعتی می‌رود، رهنما قولی را که داده بود زیر پا می‌گذارد و به پدر فاطمه که برای گرفتن خوابگاه به نزد او رفته بود می‌گوید نماینده شهر و فرماندار اگر دل‌شور برای دختر شما سوخته خوندشان برونند هتل کهکشان را برایش بگیرند، ما خوابگاه نداریم. در مورد ضبط کتاب‌ها هم با فاطمه همکاری نشد. اگر دانشجویی در راه رضای خدا پیدا می‌شد و کتابی را برای فاطمه ضبط می‌کرد فاطمه می‌توانست آن کتاب را بخواند. اگر پیدا نمی‌شد فاطمه خیلی ضرری می‌کرد. دوران لیسانس فاطمه بدترین دوران زندگی اوست. فاطمه از همان اول استادی داشت که به او می‌گفت تو چرا آمدی این رشته؟ می‌گفت برو انصراف بده. امثال تو فقط باید برونند. رشته ادبیات، برعکس این است. فاطمه استادی داشت به نام مهندس نوربخش که خیلی از او حمایت کرد. «می‌گفت به نظر من کار تو قابل تحسین است. من بهت افتخار می‌کنم و بهت کمک می‌کنم».

فاطمه در طول تحصیلاتش به استادان ناپرهیزان دیگری هم می‌رسد. «یکی از اساتید تصمیم گرفت درس این استاد را برابرم ضبط کند و استادم به او توهین بدی می‌کرد و ایشان ناراحت شدند. من هم به توهین استادم واکنش نشان دادم و استاد با من لج کرد. درس تحلیل سازه برای رشته عمران درس مهمی است و پیش‌نیاز خیلی از دروس دیگر است و دانشجوی عمران اگر این درس را چهار بار متوالی بیفتد راحت ۱۱ ترم طول می‌کشد تا فارغ‌التحصیل شود». استاد ۴ ترم فاطمه را از این درس انداخت و باعث شد فاطمه ۱۱ ترمه شود. از ترم پنجم دوست صمیمی استاد مدیر بخش شد و به فاطمه می‌گفت مدرک تحصیلی تو باعث می‌آید بروی دانشگاه ماست. او به فاطمه می‌گفت من خندمام می‌گیرم یک نابینا مهندس عمران است. می‌گفت من به تو نمره بدم که فردا همه به من بخندند. می‌گفت خندمام می‌گیرم که توبینوای فولاد یادگیری می‌گفت بچه‌های سالم من این درس‌ها را به زور پاس می‌کنند. اون وقت تو چطور ۱۳ یا ۱۴ می‌گیری؟ وقتی فاطمه در حال گذراندن ترم‌های آخر بود به فاطمه می‌گویند تو الان رسیدی به آخر کار. حالا من و همکارم هم می‌دونیم چکار کنیم نمی‌گذاریم، تو قانع‌التحصیل بشی. می‌گفت در شان رشته عمران نیست که یک نابینا در آن پا بگذارد. وقتی فاطمه مدرک تحصیلی اش را می‌گیرد این مدیر سابق بخش به او می‌گوید علی‌غم تمام مقابل‌های ما، تو متأسفانه مدرک را گرفتی. او همیشه با تحقیر و توهین با فاطمه برخورد می‌کرد. حتی سر درس خودش که پروژه‌ی راه بود نگاهش فاطمه روی آن درس کار کند. «به من گفت تو ادمی هستی که باید بهت ترحم بشه. وقتی هستی

دوشنبه ۲۳ مهر ۱۳۹۷ | شماره ۵۳۲

۵ صفر ۱۴۴۰ | ۱۵ اکتبر ۲۰۱۸

چشم‌هایش

چشم‌هایش

گزارشی از زندگی دختری که از پندو توله نابیناست



درس‌هایت را پاس کردی. بیا من از پروژه‌ی راه به ۱۰ بهت می‌دم برو».

در تمام طول تحصیل علی‌آبادی فاطمه اما از نگرشش برای اش مهربانی سنگ تمام گذاشتند. «می‌خوام از دو نفر خیلی تشکر کنم. اول از دوستم خانم پونه خواجه‌پویی‌نژاد که واقعا خیلی گذشت کرد تا من بتونم مدرک را بگیرم. پونه هم‌کلاسی من بود و هر درسی که من و خودش با هم داشتیم، حتی وقتی برای امتحان به نصف روز وقت داشتیم می‌آمد منو می‌برد. خوششون ساعت ۱۲ و ۱ شب برای من وقت می‌ذاشت و شکل‌های سخت را برای من توضیح می‌داد». فاطمه معتقد هست که دوست واقعی دوستی است که نه فقط اسمش دوست باشد بلکه مثل یک خواهر پشتت باشد و به تو کمک کند. پونه برای فاطمه نقش یک خواهر فداکار را در زندگی او داشت. نفر دیگری که فاطمه از او تشکر می‌کند استادش دکتر محمدرضا جاهدشاهی است. «ایشان استاد فولادمن بودند. پروژه‌های فولاد و بتن را با ایشان بود. خیلی مرا تحسین می‌کردند و انگیزه‌م به طرف گرایش سازه فقط به خاطر ایشان بود. چون ایشان علاقه بسیار زیادی در رشته عمران در من به وجود آوردند و بعد از اینکه سر کلاس ایشان حاضر شدم احساس کردم یک بار دیگه رشته عمران را دوست دارم». در راه تحصیل پدر و مادر فاطمه رفیق راه دخترند. با همه‌ی مشکلات و همه‌ی سختی‌ها این پدر است که بار مشکلات فاطمه را تا آنجا که در توان دارد به دوش می‌کشد. پدر حامی و پشتیبان فاطمه است بدون اینکه خم به ابرو بیلورد. بدون اینکه خسته شود یا گلایه کند. «مسیر پاریز تا سیرجان یک ساعت است. بابای من ۱۵ سال من رو از پاریز می‌برد



سیرجان و از سیرجان برمی‌گردد به پاریز. کلاس پنجم دبستان بودم که پدرم از آموزش و پرورش بازنشسته شد تا ساعت دو بعد از ظهر که مدرسه می‌رفتم و بعدش دو سال اول دانشگاه تا وقتی که دانشگاه به من خوابگاه داد تا ۷ شب کلاس داشتم و بلیام توی شهر سیرجان توی ماشین می‌نشست تا من کلاسم تموم بشه و بعد این مسافت طولانی را برمی‌گشتمیم به پاریز».

فاطمه قدران پدر، مادر و خواهرش است که در طول تحصیل از کمک‌هایشان به فاطمه دریغ نکردند. «تا گرفتن مدرک بدیلم این خواهرم بود که کتاب‌های مرا ضبط می‌کرد».

فاطمه دو ماه برای امتحان کارشناسی ارشد می‌خواند و رتبه قبولی در دانشگاه باهنر را کسب می‌کند. حالا فاطمه دانشجوی ترم اول کارشناسی ارشد است. اساتید دانشگاه باهنر کرمان فوق‌العاده چون با دید بازی به فاطمه نگاه می‌کنند. فاطمه در کرمان خوابگاه دارد و مشکل مسکن ندارد.

فاطمه در دوران دبیرستان آدم بسیار با اعتماد به نفسی بود و تصور می‌کرد هیچ کاری برایش نشد ندارد. اما حضورش در دانشگاه صنعتی سیرجان سبب شد زندگی اش به پوچی برسد. «هن زمان فقط به این جمله فکر می‌کردم زندگی و نفس کشیدن بدون دیدن در دنیا می‌که قلب‌های فولادی و سنگی و استبداد کور هم‌کلاسی من بود و هر درسی که من و خودش با هم داشتیم می‌آمد منو می‌برد. خوششون ساعت ۱۲ و ۱ شب برای من وقت می‌ذاشت و شکل‌های سخت را برای من توضیح می‌داد». فاطمه معتقد هست که دوست واقعی دوستی است که نه فقط اسمش دوست باشد بلکه مثل یک خواهر پشتت باشد و به تو کمک کند. پونه برای فاطمه نقش یک خواهر فداکار را در زندگی او داشت. نفر دیگری که فاطمه از او تشکر می‌کند استادش دکتر محمدرضا جاهدشاهی است. «ایشان استاد فولادمن بودند. پروژه‌های فولاد و بتن را با ایشان بود. خیلی مرا تحسین می‌کردند و انگیزه‌م به طرف گرایش سازه فقط به خاطر ایشان بود. چون ایشان علاقه بسیار زیادی در رشته عمران در من به وجود آوردند و بعد از اینکه سر کلاس ایشان حاضر شدم احساس کردم یک بار دیگه رشته عمران را دوست دارم».

فاطمه اما به بینایی چشمانش امیدوار است. «از یک سال پیش یک عمل جراحی در شیراز انجام می‌شود و می‌تواند بینایی چشم‌م‌روبر گردوند. اگر من اون عمل را انجام بدم چشم‌م می‌بینند. منتها قیمت اون عمل خیلی بالاست. شنیدم هر زین‌لش ۷۰۰ میلیون تومن است که در توان مالی خانواده‌م نیست. کاش جامعه پزشکی قیمت این عمل چشم را پایین می‌آورد تا من هم بتونم مثل همه‌ی آدم‌ها به یک زندگی عادی برگردم».

هفته تربیت بدنی و ورزش گرامر باد

روابط عمومی و امور بین الملل شرکت توسعه آهن و فولاد گل گهر

آماده عقد قرارداد با ادارات مطابق با سلیقه مشتری به ضمانت کتبی

در زمستان امسال نگران افزایش قیمت‌ها نباشید! فروشگاه اتوک با متنوع‌ترین و با کیفیت‌ترین پوشاک زمستانی (کاپشن، پالتو، سویشرت و بافت) با مناسب‌ترین قیمت‌ها در خدمت شماست. از بیش از ۱۰۰ مدل کارهای زمستانی ما دیدن فرمایید زمستان امسال فقط با اتوک

MADE IN TURKEY

مارک *بلک آرت ترکیه* را از اتوک بخواهید *برندی خاص و منحصر به فرد بادوخت تمام صنعتی* *با بهترین پارچه های ترک با دوخت اسلیم فیت و کلاسیک در مجالس خود بدرخشید* *با بلک آرت بهترین برند ترکیه دیگر نگران خرید خود نباشید* *تنها نمایندگی بلک آرت ترکیه در *استان کرمان*

آدرس: بلوار سیدجمال‌الدین حد فاصل سه راهی کرمان و بلوار قاتی روبروی سیرجان بنیاد ۰۹۱۳۳۴۷۹۰۶۴ - ۰۹۲۲۱۸۱۶۴۲۷

@Etock_mens_wear Etock.sirjan